

اخلاق حرفه‌ای بازجو

محمود یوسف‌وند*

محمد مهدی یوسف‌وند**

چکیده

در نظام‌های حقوق کیفری، برای حرفه بازجو چهارچوب اخلاقی مقرر شده است. این پژوهش به بررسی تطبیقی اخلاق بازجو در حقوق ایران با مطالعه مبانی فقهی و اخلاقی پرداخته؛ و یک تحقیق کیفی با رویکرد تطبیقی است که از حیث اهداف کاربردی و از حیث ابزار تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای است. اطلاعات جمع‌آوری شده شامل تجزیه و تحلیل قوانین کیفری ایران و منابع فقهی است. بر اساس یافته‌های تحقیق در حقوق ایران، بازجو مانند بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها دارای قوانین اخلاقی است؛ در صورت تخلف از قوانین اخلاقی علاوه بر نقض دادرسی عادلانه و عدم احترام به کرامت انسانی، سبب عذاب وجدان بازجو می‌شود و دارای ضمانت اجرای مادی و اجتماعی است. برآیند اخلاق بازجو، دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی متهم است. عدم رعایت ارزش‌های اخلاقی برای بازجو مجازات اخروی و در حقوق ایران گاهی کیفر و در مواردی جبران خسارات به متهم به همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، صفات بازجو، دادرسی عادلانه.

* استادیار گروه فقه قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (mahmoudyousefvand@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷)

بیان مسأله

بازجویی، سنگ بنای پرونده‌های محاکم قضایی است که به موجب قانون حسب مورد باید با اجازه مقامات دادسرا و دادگاه به وسیله ضابطان عام و خاص به عنوان یاوران عدالت صورت پذیرد. در اکثر موارد، مبنای آراء قضایی تحقیقاتی است که در مراجع انتظامی و اطلاعاتی صورت می‌گیرد.

از آنجا که در بازجویی (تحقیق از متهم) با پرسش از او به نوعی ورود به حریم خصوصی اطلاعات متهم است، و قضاوت به نحوی ولایت بر جان، مال و عِرَض افراد است؛ نیازمند موافقت و دستور خاص از طرف مقام قضایی صالح است. در واقع بازجو اقداماتی را انجام می‌دهد که مقام قضایی باید خود شخصاً انجام دهد، چون بازجویی مطابق قانون نیابت پذیر است؛ به وسیله مأموران آموزش دیده انجام می‌شود. همان طور که در نظام حقوقی اسلام برای قضات آداب اخلاقی الزامی (واجب و حرام) و توصیه‌ای (مستحب و مکروه) (حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق؛ ۷۱/۴-۶۴) مقرر شده است؛ بازجو که به نیابت از قاضی اقدام به تحقیق می‌نماید، نیز باید متخلق به صفات اخلاقی مربوط به شغل و حرفه بازجویی باشد، تا کرامت انسانی متهم حفظ شود و دادرسی عادلانه شکل بگیرد. پژوهش حاضر به اخلاق حرفه‌ای بازجو در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارد، به صورت تطبیقی میان قوانین و مقررات موجود و منابع فقهی و علم اخلاق صورت می‌گیرد. رویکرد تحقیق، بازجویی از متهم به وسیله مأمور تحقیق است. این پژوهش به این سوالها پاسخ می‌دهد: نقش اصول اخلاقی و معارف حکیمانه در قواعد و قوانین فقهی و حقوقی بازجو چیست؟ بایدها و نبایدهای اخلاق بازجو کدام اند؟ در صورت تخلف از این بایدها و

نبایدهای اخلاقی چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟
ضرورت دارد ابتدا مبانی نظری تحقیق بررسی شده، آنگاه صفات بازجو تبیین گردد.

۱. مبانی نظری تحقیق

در این فراز مبانی نظری مقاله تبیین می‌گردد.

۱-۲. اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای^۱ مرکب از دو واژه «اخلاق» و «حرفه» است. معنای لغوی و اصطلاحی واژگان مذکور شرح داده می‌شود.

۱-۱-۲. تعریف اخلاق

در متون اخلاقی درباره اخلاق از دو واژه بهره گرفته شده است:

الف) اخلاق به معنای «هیأت ثابت نفسانی» (شیر، ۱۳۹۲؛ ۳۰): جمع «خُلُق» معادل انگلیسی (Moral) است، که در لغت به معنای «سرشت و سنجیه» آمده است؛ اعم از سجایای نیکو و پسندیده، مانند راستگویی و وفای به عهد، یا ناهنجاری‌هایی، مانند دروغ‌گویی و نقض پیمان. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۶/۱۰-۸۷) در این معنی، اخلاق از صفات فاضله و رذیله (خوب و بد) که از طریق اعمال اختیاری و ارادی در انسان قابل کسب هستند، بحث می‌کند و چنین صفاتی موضوع علم اخلاق‌اند. به نظر عالمان اخلاق اسلامی، رسالت علم اخلاق آراستن نفس به خلق‌های پسندیده است و فعل پسندیده و کار نیک وسیله‌ای برای تحقق صفات راسخ نیکو در جان آدمی است. آنان هدف از علم اخلاق را چنین بیان کرده‌اند: «هدف علم اخلاق بازداشتن

انسان از اشتباهات در رفتار و کردارش است به گونه‌ای که در نیت، عمل و هدفش، صادق و به دور از میل و هوس و تقلید کورکورانه باشد؛ ... و علم اخلاق قصدش، اصلاح فرد و جامعه از طریق هماهنگ نمودن رفتار و کردار با راه راست می‌باشد.» (مغنیه، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴) این دیدگاه ریشه در انسان شناسی خاص عالمان مسلمان دارد که گوهر وجود آدمی را نفس و روح او دانسته (مفید، ۱۳۷۲: ۵۸) و کمال انسان را نیز کمالات روحی او می‌دانند. (شجاعی، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۳۹)

ب) اخلاق به معنای «اصول هنجاری» (مغنیه، ۱۳۸۶: ۲۳): معادل انگلیسی آن (Ethics) است، بهره گرفته شده، این واژه در حکمت عملی و مطالعه سلوک و رفتار اشخاص مورد توجه قرار می‌گیرد. اگرچه این دو مفهوم چنان در هم تنیده‌اند که گاهی تمیز میان آن‌ها به سختی صورت می‌گیرد، در عین حال آنچه مورد توجه این نوشتار است، معنای دوم است. در مفهوم نخست اخلاق که قواعد آن ناظر به وجدان‌هاست هرگونه پندار و فکر زشت و ناپسند را نکوهیده است، لکن اخلاق به معنای دوم به رفتار انسان‌ها می‌پردازد؛ و با دانش حقوق ارتباط پیدا می‌کند.

۱-۲-۲. حرفه

حرفه واژه عربی است، در لغت به معنای شغل، صنعت و وسیله درآمد، (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق: ۴۴/۹) و در کتب لغت فارسی به معنای پیشه و کار است. (انوری، ۱۳۸۲: ۲۵۰/۳) و حرفه در اخلاق حرفه‌ای، شامل کسب و کار، بنگاه، سازمان (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲: ۹۱) و اشخاص حقوقی است.

۱-۲-۳. اخلاق حرفه‌ای

اصطلاح اخلاق حرفه‌ای، «حوزه‌ای تخصصی در دانش اخلاق است که به بیان

مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل و نیز تحلیل مسایل اخلاقی در کسب و کار می‌پردازد.» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

از آنجا که در اخلاق حرفه‌ای، بحث از اخلاق و شغل و حرفه شخص مطرح است. اخلاق حرفه‌ای دربرگیرنده اصول، وظایف و استانداردهای رفتار فردی و سازمانی مورد انتظار از افراد حرفه‌ای در مشاغل گوناگون است. افراد شاغل در موقعیت‌های حرفه‌ای از مهارت‌ها و دانش خود برای انجام کار بهره می‌گیرند. این افراد قادر به قضاوت، اعمال مهارت‌ها و دانش و تصمیم‌گیری بر اساس دانش خود در شرایطی هستند که عموم جامعه به دلیل نداشتن این دانش و مهارت قادر به این کار نیست. چگونگی استفاده از این دانش و مهارت در هنگام ارائه خدمات به جامعه یک مسئله اخلاقی و موضوع اخلاق حرفه‌ای است. (Chadwick, 1994; 481-484)

اگر چه در طول تاریخ، بشر از دارندگان مشاغل متناسب با حرفه‌شان انتظارات متفاوتی داشته است. اما پیچیدگی دنیای امروز در ابعاد مختلف زندگی باعث شده که اخلاق در حرفه‌های مختلف به صورت جداگانه مطرح گردد. هر شغلی، مسئولیت‌های اخلاقی دارد. اخلاق در مفهوم تنوع مشاغل، به شکل‌های گوناگون مطرح می‌شود: اخلاق پزشکان، اخلاق وکلا، اخلاق قضات، اخلاق بازاریابان و... از این رو گفته شده: «اخلاق در هر حرفه، مربوط به اعمالی است که متخصصان حرفه نسبت به یکدیگر، نسبت به طالبان دریافت خدمات و نیز نسبت به جامعه انجام می‌دهند. کدهای اخلاق در هر کشور، موازین پذیرفته شده در انجمن‌ها و اتحادیه‌های حرفه‌ای همان کشور بوده و حاکی از تعریف رفتار اخلاقی برای اعضای آن تشکل‌ها، و جرایم مربوط به خطاهاست. این کدها توصیه‌هایی در مورد آرمانهای اخلاقی

حرفه‌ای و ارزشهای محوری دارند.» (فرهادی، ۱۳۸۶؛ ۳۰)

اخلاق حرفه‌ای، ویژگی‌ها و معیارهایی است که هر کس متناسب با شغل و حرفه خود، باید بر اساس آن عمل کند. از جمله مشاغل مورد ابتلای جامعه انسانی حرفه قضاوت و پلیسی است.

۳-۱. اخلاق حرفه‌ای در منابع اسلامی

در متون دینی در مواردی به اخلاق حرفه‌ای اشاره شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در منبر به تجار امر می‌فرمودند: «یا معشر التجار، الفقه ثم المتجر»؛ برای جلوگیری از کسب حرام، فقه و قوانین دینی کسب و کار را قبل از ورود به عرصه معاملات بیاموزید آنگاه معامله کنید. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵۰/۵) این روایت به اخلاق حرفه‌ای تجار اشاره دارد که باید دانش معامله را یاد بگیرند و در معاملات به کار ببندند. یا در دعای منسوب به امام زمان (عج) با زبان دعا به تعدادی از مشاغل و موقعیت‌ها اشاره رفته است؛ که باید رفتار متناسب آن را رعایت کنند: «و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصیحة و علی الامراء بالعدل و الشفقة» برای دانشمندان دینی از خداوند پارسایی و پند ... و برای حاکمان عدالت و دلسوزی را از خداوند طلب می‌کند. (کفعی، ۱۴۰۵؛ ۲۸۰)

۴-۱. دادرسی عادلانه

مقررات دادرسی کیفری در سایه اصول مهمی تدوین و اجرا می‌شود که از آن‌ها به عنوان «دادرسی عادلانه» یا «منصفانه» تعبیر می‌شود. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۵۸/۱) دادرسی منصفانه مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و ترکیب این موارد دادرسی منصفانه را تشکیل می‌دهد. بسیاری از این

اصول که دارای مبانی و حیانی هستند؛ با هدف ایجاد توازن و تعادل میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی و رعایت تساوی اصحاب دعوی، در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی کشورها پیش‌بینی شده است. اصول مذکور شامل:

۱. اصل برائت؛
۲. استقلال و بی‌طرفی قاضی؛
۳. اصل تساوی افراد در برابر قانون؛
۴. اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛
۵. رعایت حقوق دفاعی متهم؛
۶. حق برخورداری از کرامت و حیثیت؛
۷. حق آگاه شدن از حقوق مربوط به فرایند رسیدگی؛
۸. دادرسی در مهلت معقول و متعارف؛
۹. رعایت حریم خصوصی در فرایند دادرسی؛
۱۰. رعایت حقوق شهروندی.

۵-۱. مفهوم بازجو

بازجو^۱ در لغت به معنای بازجوینده، محقق، مفتش، کسی که مأموریت پیدا می‌کند از کسی در مورد امری یا اتهامی تحقیق و واریسی کند، یا از روی دفاتر اسناد راستی و ناراستی کاری را معین کند؛ تفتیش‌گر، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۰۹۸/۳) و آن که کارش بازجویی است؛ و بازجویی به معنای پرسش از متهم، مظنون، یا طرف‌های دعوا در باره موضوع اتهام (انوری، ۱۳۸۲: ۷۵۸/۲) آمده است.

واژه بازجو فارسی است روشن است در کتب فقهی ذکر نشده است؛ و واژه بازجویی کردن متناسب با معنای لغوی آن، (تحقیق. تفتیش. تجسس. فحص. بازجست. پژوهش کردن. عملی ابتدائی که معمولاً از طرف مأمورین شهربانی یا ژاندارمری هنگام دستگیری متهم برای کشف حقیقت اتهام و تشکیل پرونده جهت فرستادن به محاکم دادگستری انجام میدهند.) (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۰۹۸/۳) آمده است. در اصطلاح حقوقی به تحقیقات از متهم و یا مظنون به بزه است در کلانتری‌ها. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۷۹۵/۲) چنان‌که ملاحظه می‌شود، اگرچه بازجو دارای معنای عامی است هم تحقیق به وسیله مقامات قضایی را شامل می‌شود و هم تحقیق توسط مأموران انتظامی [دادگستری] (اداره پلیس نظامی آمریکا، ۱۳۸۰: ۹۳) را در بر می‌گیرد، اما امروزه در عرف از بازجو معنای مأمور تحقیق ضابطان به ذهن تبادر می‌کند و در مقررات نیز بر آن صحه گذاشته شده، مؤید این ادعا کاربرد بازجویی در کلانتری بیان شده و برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند: «بازجو باید از ضابطان دادگستری باشد»؛ (نجفی توانا و سعادت مهر، ۱۳۹۸: ۶۳-۷۴) و نیک روشن است که در مراجع انتظامی و امنیتی و نظامی بازجویی مطابق قانون به وسیله ضابطان انجام می‌شود. به استناد ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، ... تحقیقات مقدماتی، ... به موجب قانون اقدام می‌کنند.» به استناد ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «ضابطان دادگستری عبارتند از: الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب - ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در

حدود و وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت، اطلاعات سازمان اطلاعات سپاه و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.» نیک روشن است امر بازجویی اعمال حاکمیت است، توسط قضات و به دستور مقامات قضایی به مأمورین پلیس و نیروهای اطلاعاتی و نظامی و... انجام می‌شود.

۱-۶. اهداف بازجویی

به طور عام تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی برای حفظ آثار، علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود. (ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری) «هدف اصلی تحقیقات مقدماتی آماده سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است.» (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۳/۲) بازجویی از متهم بخشی از تحقیقات مقدماتی است که به صورت خاص، برای چهار هدف صورت می‌گیرد: ۱. کشف حقیقت و دستیابی به حقایق؛ ۲. رفع مظنونیت و اثبات بی‌گناهی بازجو شونده؛ ۳. شناسایی شخص مجرم؛ و ۴. اعتراف گرفتن از متهم واقعی.

۲. صفات اخلاقی بازجو

یک بازجو به تناسب نوع حرفه خود باید علاوه بر ارتقای سطح مطالعات اجتماعی و روانشناسی، شخصیتی خودساخته داشته و قادر به جلب اعتماد اشخاص نیز باشد؛ انسان اشرف مخلوقات الهی است لازم است خود را زیننده به اخلاق الهی نماید، و

هدف بعثت پیامبران هم آراستن بشریت به ارزشهای اخلاقی است. (بقره (۲)، ۱۵۱؛ و آل عمران (۳)، ۱۶۴؛ و جمعه (۶۲)، ۳) انسان‌ها در هر جایگاه اجتماعی که باشند، ملزم به رعایت این ارزش‌ها هستند. رعایت صفات اخلاقی رابطه دو سویه (حق و تکلیف) است، تکلیف خود انسان و حق کرامت شخص مقابل اقتضا دارد افراد در مناسبات اجتماعی ملتزم به پاسداشت آن باشند. همان‌طور که گفته شد، بازجو باید دارای ویژگی‌های اخلاقی شغلی و حرفه‌ای باشد، و چون در منابع فقهی مقام تعقیب و مقام تحقیق و رسیدگی واحدند و در اسلام طرفین دعوا مستقیماً به قاضی رجوع می‌کردند و فصل خصومت و صدور حکم به وسیله قاضی صورت می‌گرفت، اما امروزه علاوه بر قاضی، دادرسی در معیت دادگاه قرار دارد و بخشی از تحقیقات مقدماتی مراجع قضایی، به نیابت از مقام قضایی و به وسیله ضابطان دادگستری انجام می‌شود، از این رو در مباحث فقهی برای بازجو به صفات فردی قاضی استناد می‌شود قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۱، به تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، ... پرداخته است.

در ماده ۲۸ و ۶۰۲ قانون فوق ضابطان دادگستری را تعریف کرده و به وظایف آنان از جمله تحقیقات مقدماتی، اشاره کرده است. در ماده ۶۱ نیز تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

مقرره‌های فوق مبتنی بر قواعد شرعی است. در آیات قرآن بر پاسداشت کرامت انسان: (اسرا (۱۷)؛ ۷۱)، و دادرسی عادلانه: (نساء (۴)؛ ۵۸) تأکید فراوان شده است. با عنایت به لزوم بهره مندی بازجو از اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی، صفات بازجو تبیین می‌گردد.

۲-۱. داشتن مهارت و دانش کافی شغلی

عصاره اخلاق حرفه‌ای بهره گرفتن افراد شاغل در موقعیت حرفه‌ای و دانش خود برای انجام کار است. بازجو با داشتن تجربه و تبحر کافی در امر بازجویی و داشتن آگاهی کامل از محتوای پرونده و موضوع جرم و نیز بر اساس آموخته‌هایش قادر به اعمال مهارت در هنگام بازجویی است، و با مدد گرفتن از علوم روانشناسی، علوم اجتماعی و هنر و فن طرح مجموعه پرسش‌های فنی و قانونی از متهم و مظنون به ارتکاب بزه به منظور کسب اطلاعات صحیح در باره جرم ارتکاب یافته تحقیق می‌کند؛ از نظر قواعد و اصول اخلاقی کسانی که آموزش‌های لازم برای تحقیق و بازجویی را ندیده‌اند، حق دخالت در بازجویی را ندارند و نباید در امر بازجویی مداخله نمایند. بازجو باید دارای «شناخت درست ماهیت انسان»؛ (گادجانسون، ۱۳۹۶: ۵۷) «آشنایی با احکام و مسائل شرعی در رابطه با حرفه بازجویی»؛ (کارشناسان گروه علمی آگاهی، ۱۳۹۱: ۷۶) و «آشنایی با آخرین تحولات در هنر بازجویی»؛ «آگاهی نسبت به مقررات حاکم بر شیوه‌های بازجویی» و «آگاهی از قانون» (بنت وین دبلیو، کارن ام. هس، ۱۳۸۵: ۳۴) باشد.

بازجو ملزم است از توانمندی‌های علمی و فناوری‌های نوین در جهت کشف جرم بهره‌برداری کند، و از روش‌های خشونت‌آمیز پرهیز نماید. پیچیدگی دنیای امروز و اشرف متهمان به فناوری‌های جدید، اقتضای آن را دارد که بازجویان علاوه بر موارد فوق، خود را به این فن‌آوری‌های نوین مجهز نمایند تا از طفره رفتن متهم و نیز اعتراف کذب او جلوگیری شود. برخی از نویسندگان در این خصوص بیان داشته‌اند: «... استفاده از وسایل الکترونیکی و فناوری‌های به روز برای پیشبرد جریان

بازجویی و همچنین افزایش میزان کیفیت بازجویی، امری کاملاً اجتناب ناپذیر و ضروری به نظر می‌رسد». (بنت وین دبلیو، کارن ام. هس، ۱۳۸۵: ۳۰۲)

شرط علم و اجتهاد برای قاضی (موسوی خوئی، ۱۴۲۲: ۸/۴۱) ناشی از همین ویژگی اخلاقی است. امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر فرمودند: «تَمَّ اخْتَرْتُ لِحُكْمِ بَيْنِ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. قاضی باید از نظر علم، اخلاق، تقوا و ایمان در درجه‌ای بسیار بالا باشد؛ زیرا برتری و فاضل‌تر بودن از دیگران بدون صفات مزبور قابل تصور نیست.

نظام قضائی ایران به تبعیت از آموزه‌های دینی موضوع داشتن دانش کافی در خصوص شخص بازجو را در قوانین خود پیش بینی کرده است. این امر حاکی از توجه قانونگذار ایران به اهمیت و تأثیر اصل مزبور در تضمین حقوق و امنیت قضائی افراد است. بند ۱۰ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۱۵ مقرر داشته: «تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.»

بازپرس طبق مقررات تعلیمات لازم را به ضابطان دادگستری می‌دهد سپس هر اقدام قانونی را برای کشف جرم لازم بداند با نظارت خود، به ضابطان دادگستری ارجاع می‌دهد. (ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری)

زیرا احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با

گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است، و تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. (ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری) تخلف از این ماده علاوه بر بی اعتباری تحقیقات و اقدامات صورت گرفته، به استناد ماده ۶۳، «موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.»

به موجب تبصره ۱ ماده ۳۰، «دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.»

به استناد ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن ... انجام شود.» به استناد ماده ۶۳، تخلف از مقررات مواد مذکور «موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.»

۲-۲. مدیریت زمان در بازجویی

بازجویی باید در مهلت معقول و متعارف صورت گیرد. بازجو و محقق، نیاز به صبر و حلم دارد، زیرا با جرایم و بزهکاران مواجه شده، چه بسا آزار روحی فراوانی در فرایند تحقیق می‌بیند و باید صبور باشد و با صبر و حوصله از متهم بازجویی کند، تا بتواند حقیقت را کشف نماید. از اظهار نظر سطحی پرهیز نماید و تحقیق و بررسی را برای کشف حقایق و رفع ابهام وظیفه خود بداند. البته صبور بودن بازجو به معنای طولانی شدن دادرسی نیست، به ویژه در تحقیقات مقدماتی که قانونگذار (ماده ۳

قانون آیین دادرسی کیفری) اصل را بر سرعت اعلام نموده است. برخی از نویسندگان نگاشته‌اند: «بی صبری شاید برای کارآگاهان در انجام مأموریت‌های خاص یک امتیاز باشد، اما هنگام بازجویی از افراد مانع جدی است». (گادجانسون، ۱۳۹۶: ۵۷)

بازجویی شتاب زده در پرونده‌هایی که مربوط به حق الناس است، موجب تضییع حقوق مردم می‌شود و در پرونده‌هایی که دارای جنبه حق الهی و حق عامه است، حقوق الهی و حقوق عمومی از بین می‌رود و در هر مورد با توجه به حاکمیت اصل برائت ضرورت ایجاب می‌کند بازجویی فارغ از عجله صورت پذیرد و در زمانی که برای تحقیق تعیین شده است زوایای مختلف و پنهان، بازجویی شود. زیرا آثار و نتایج تحقیق بازجو در مراحل دیگر حسب مورد در دادسرا و دادگاه (بدوی و تجدیدنظر) و دیوان عالی کشور ظهور و بروز پیدا می‌کند. چه بسا بازجویی شتابزده، طولانی شدن دادرسی را به دنبال داشته باشد. چه در دادسرا باعث اعاده پرونده به ضابط گردد، یا دادگاه کیفری و یا دادگاه تجدیدنظر و در مواردی دیوان عالی کشور تحقیقات را ناقص بداند، قابل توجه این که موضوع فوق علاوه بر تأکید قانونگذار، در متون دینی و منابع فقهی شیعه تأکید شده است.

امام هشتم علیه السلام فرمودند: «حضرت داود علیه السلام دو نفر را دید که یکی می‌گوید دیگری به من ظلم کرده و گوسفند مرا گرفته است، زود نظر داد و عجله کرد و فرمود: او به تو ظلم کرده که حیوان تو را درخواست کرده است. در حالی که می‌بایست تقاضای شاهد می‌نمود و از طرف مقابل نیز سوال می‌کرد که آیا کلام این شخص را قبول دارد یا خیر ولی چنین نکرد به همین جهت خدای متعال به شدت او را سرزنش نموده

است». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۷/۲۷ و ۱۳۱)

در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر از جمله شرایطی که برای قاضی بر شمرده اند: «وَلَا تُمَحِّكُهُ الْخُصُومُ»؛ و کسی که برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمگین نکند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یعنی دارای سعه صدر در برابر مردم و مراجعه کنندگان باشد. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «مراجع قضائی باید ... در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند.»

سرعت در جمع آوری دلایل از جمله اخذ شهادت شهود، کسب اطلاع از مطلعان و ضبط دلایل مادی، سبب می شود سنگ بنای تحقیقات مبتنی بر واقعیت ها نهاده شود. سرعت در حضور ضابطان و دیگر مقامات تحقیق در صحنه جرم به اخذ شهادت دقیق و کسب اطلاعات واقعی، همچنین دستیابی زودتر به متهم کمک می کند. قانونگذار به موجب ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح کرده است: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.»

سرعت در تحقیقات مقدماتی باید با دقت باشد؛ زیرا شتاب و بی دقتی نتیجه مثبتی در پی ندارد. اینکه ماده ۹۸ مقرر داشته است با همکاری ضابطان حکایت از این دارد که به سرعت انجام شود زیرا از نظر عملی ممکن است مقدور نباشد بازپرس به تنهایی اقدام کند. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۳۰/۲)

طبق ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع آوری

ادله وقوع جرم تاخیر نکند.

ضمانت اجرای ماده ۹۵ برای دارندگان ابلاغ قضایی در تبصره ماده ۱۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. تخلف از این ماده ... موجب تخلف انتظامی تا درجه چهار است.

ضمانت اجرای تخلف ضابطان دادگستری از مقررات مذکور در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است.

۲-۳. بازجویی نکردن در حال غضب و خشم

بازجو نباید در حال خشم بازجویی کند. بازجو و بازپرس باید در شرایط عادی و در حالی که از نظر روحی و روانی در آرامش کامل است به بازجویی از متهم بپردازد و از روش‌های خشونت آمیز پرهیز نماید. این امر هم تکلیف بازجو است و هم حق متهم که در یک فضای عاری از خشم و تنش و آرام‌بخش از او تحقیق شود. تا متهم پرسش‌های مطرح شده را پاسخ دهد، تا ضمن رعایت کرامت انسانی او دادرسی عادلانه تضمین شود؛ زیرا «خشم می‌تواند باعث تشدید نگاه انتقادی و بدگمانی به بازجو و انگیزه‌های او شود.» (گادجانسون، ۱۳۹۶: ۲۵۶) «کتابهای راهنمای بازجویی عموماً اذعان دارند که خشم، چه از سوی متهم و چه از سوی بازجو، یک احساس نامطلوب در جریان بازجویی است، زیرا مانع برقراری ارتباط سازنده میان متهم و بازجو می‌شود. تفاهم، اعتماد و همکاری اجزای ضروری برای موفقیت فرایند بازجویی تلقی می‌شود. احساس خشم و سوء ظن، در این روند اختلال ایجاد می‌کند.» (گادجانسون، ۱۳۹۶: ۵۴)

در روانشناسی یکی از عمده ترین حالات و رفتارهای هیجانی انسان‌ها برای

ارضای نیازهای شان، خشم و پرخاشگری است که می تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد و از جهاتی ریشه بسیاری از جرائم، نابسامانی ها، انحرافات و جنگ ها را می توان در این امر جست و جو کرد. (امیدعلی، تیر ۱۴۰۰: ۶۰-۸۵)

در کتب اخلاقی، خشم و غضب از صفات رذیله انسانی است. این صفت علاوه بر این که از صفات خبیثه است، آثار قبیحی مانند دشنام، شماتت مسلمین، سر مسلمین را فاش کردن، سخریه و استهزاء به مسلمانان بر آن مترتب است. (نراقی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

در روایات معصومان علیهم السلام، از قضاوت در هنگام غضب نهی شده است: پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ فرمودند: «هر کس به کار قضا اشتغال دارد، هرگز در حال خشم و غضب قضاوت ننماید». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۱۳)

حضرت امیر المؤمنین به شریح قاضی فرمودند: «اگر غضب نمودی برخیز راه برو و هرگز در حال عصبانیت و خشم قضاوت ننما». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۱۳)

اگر چه احادیث شریف فوق در خصوص قاضی صادر شده اند، اما از آنجا که بازجو در فرایند دادرسی مداخله می کند و شیوه تحقیق او در صدور حکم مؤثر است شامل سایر کنشگران کیفری می شود، وانگهی برای تأثیر نفوذ کلام، اصلاح مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم به وسیله متهم رعایت حلم و ادب و متانت مورد تأکید پیشوایان دین بوده است. چنانکه پیامبر اکرم ﷺ از این که در هنگام غضب و خشم، کسی را بخواهند ادب کنند نهی کرده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸/۴۸)

یکی از اهداف مجازات ها در اسلام اصلاح مجرمان است و بازجویی در حال خشم و غضب با اصلاح و تربیت افراد سازگاری ندارد.

۲-۴. داشتن تعادل روحی و روانی

بازجو در حال بازجویی باید دارای تعادل جسمی و روحی باشد، و دغدغه‌ای جز بازجویی نداشته باشد. بازجو نباید در حال گرسنگی، تشنگی، ترس، اضطراب و خوف، اکراه و اجبار و ... به تحقیق و بازجویی مشغول شود.

در این خصوص امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شریح قاضی فرمودند: «در مجلس قضا ننشین مگر آن که قبل از آن غذا خورده باشی». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۱۳) اگرچه خطاب حدیث شریف فوق به شریح قاضی است، اما نیک روشن است، نه غذا خوردن در این روایت خصوصیتی دارد و نه شریح قاضی و حتی قاضی بودن هم خصوصیتی ندارد، بلکه شامل کسانی می‌شود که در مقام انجام کاری باشند که نیازمند دقت است و یا در صدد احقاق حق مردم و کشف حقیقت باشند و نباید در حال گرسنگی یا تشنگی یا هر آنچه که در اعمال و رفتار او ممکن است تأثیر گذار باشد. (عابدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

تمرکز نداشتن بازجو او را از کشف حقیقت باز می‌دارد و دادرسی عادلانه محقق نمی‌شود.

۲-۵. بی طرفی

بازجو باید در رفتار خود بی طرف، غیر متعصب و منصف باشد و از استقلال برخوردار بوده و توصیه پذیر نباشد. از جمله قواعد دادرسی عادلانه «قاعده رفتار مساوی با طرفین» است، قاعده مذکور از اصل بی طرفی دادرسی استنتاج می‌گردد. قرآن کریم شرط قضاوت صحیح را عدم پیروی از هوای نفس دانسته است، «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...»؛ (ص ۳۸)؛ (۲۶)،

یعنی «ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، «در این آیه شریفه، شاخص داوری به حق است و هرگونه تمایل به عدم اجرای آن قاضی را از بی طرفی خارج می‌کند؛ و حکم به غیر از آنچه از سوی وی مقرر شده را ظلم پنداشته است: «... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (مائده (۵)؛ ۴۵) هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کسی از ستمکاران خواهد بود.

رعایت بی طرفی سنگ بنایی است که تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله تعقیب بر آن نهاده شده است. بر این اساس بازپرس و بازجو در کمال بی طرفی و بدون تمایل به احد از اصحاب دعوا و بدون هرگونه جانبداری، تحقیقات مقدماتی را انجام دهند. «... و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.» (ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری) این امر در ماده ۴۴ قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) ۱۲۹۱ نیز تأکید شده است. بازجو موظف است فقط در کشف حقیقت بکوشد. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۲/ ۲۷ - ۲۸)

آنچه بازجو را از بی طرفی خارج کند؛ مانند پرسش‌های تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. (ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری) ضمانت اجرای این ماده در ماده ۱۹۶ ذکر شده است: «تخلف از مقررات ماده ۱۹۵ این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

از اصول مهم دادرسی عادلانه «اصل تساوی افراد در برابر قانون» است، عدم رعایت بی طرفی موجب خروج از این اصل است. این اصل مبتنی بر این است که آموزه‌های دینی اسلام معیار برتری افراد را تنها در تقوای الهی می‌داند. (حجرات

(۴۹؛ ۱۳)؛ در منابع فقهی در خصوص وظایف قاضی به «التسوية بين الخصمین» تأکید کرده اند: «از جمله وظیفه قضات این است که در مواجهه با طرفین دعوا، باید عدالت و مساوات را رعایت نماید.» (حلی، ۴۰۸ هـ ق، ۷۱/۴)

مقصود از این تساوی این است که در برخورد با طرفین دعوا، هیچگونه تفاوت و تمایزی وجود نداشته باشد.

در مسأله تساوی بین خصمین گروهی از فقها حکم به وجوب آن داده اند (حلی، ۴۰۸ هـ ق، ۷۱/۴) و گروهی نیز آن را مستحب دانسته اند، (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴۲/۴۰) که این اختلاف فتوی به تفاوت استنباط ایشان بازمی گردد. مبنای هر دو گروه از فقها روایت نقل شده از معصومان علیهم السلام است.

به عنوان نمونه از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «در نگاه کردن و سخن گفتن و محل نشستن، میان مسلمانان برابری و مساوات داشته باش تا آن کس قریب توست، طمع حیف و میل نداشته باشد و دشمنت، نو مید از عدالت نباشد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۵۳/۱۴) «چون مضمون این روایات، دستورالعملی برای قاضیان مسلمان است، در هر موردی که قضاوت می کنند. درست است که اغلب دعاوی در محکمه اسلامی، بین مسلمانان است، اما این غلبه وجودی، موجب انصراف عمومات به این فرض نمی شود. به همین جهت نیز قید «بین المسلمین» در برخی از این روایات خصوصیتی ندارد تا مخصص این عمومات گردد.» (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۲۲۲-۲۲۳)

بر اساس روایات، در صورت قائل شدن به وجوب تساوی بین الخصمین یا استحباب آن، مساوی برخورد کردن و بی طرفی امر مطلوبی است.

۲-۶. رازداری

رازداری و حفظ اسرار در علم اخلاق از صفات پسندیده محسوب می شود اما در

پاره‌ای از مشاغل بر رعایت آن تأکید بیشتری شده است. در مراحل تحقیق، اسرار مردم و اطلاعات پرونده نزد بازجو امانت است و اخلاقاً و قانوناً باید نسبت به حفظ آن‌ها مقید و پای‌بند باشد؛ زیرا فاش ساختن اسرار از موجبات نقض حریم خصوصی است. رازداری بازجو از فضایل اخلاقی است و فاش کردن راز اصحاب پرونده از اخلاقیات مذموم است و در مقررات موجود ممنوع و آنچه از عیوب مردم متوجه می‌شود، نزد او امانت است و نباید اسرار آنان را فاش کند. رازداری و کتمان اسرار و پوشاندن عیوب اشخاص، آثار مثبت دنیوی و اخروی دارد که در کلام گهربار معصومان علیهم السلام به برخی از آنها اشاره شده است.

امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به مالک اشتر از کارگزاران حکومت علوی می‌فرماید: «تا می‌توانی عیوب و زشتیهای مردم را بپوشان تا خدا هم عیوب تو را بپوشاند؛ عیبی که دوست داری از مردم مخفی بماند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «کسی که اسرار برادر مسلمان خود را بپوشاند در روز قیامت که جز سایه خدا هیچ سایه‌ای نیست، زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرد.» (عریضی، ۱۴۰۹: ۴۳۴)

امام خمینی در بند ۶ فرمان هشت ماده دستور دادند: «هیچ کس حق ندارد... دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش نکند.» (امام خمینی، ۱۴۰: ۱۷)

رعایت حقوق اصحاب دعوا از جمله حقوق شناخته شده آنان است، حفظ اسرار مراجعان به دستگاه قضایی و نزد ضابطان دادگستری از اسباب اطمینان آنان است. عدم توجه به این امر سبب سلب اعتماد شهروندان نسبت به حافظان عدالت و کاهش

صداقت و در بسیاری از موارد عدم مراجعه به آنان خواهد بود و فقدان مأمن و ملجأ مردم خواهد شد، نتیجه آن انتقام خصوصی نظم، و امنیت جامعه به خطر افتد. قانونگذار نقض این امر را جرم انگاری کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است.

قانونگذار ایران به این مورد در مواد ۴۰ و ۳۹ و ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرده است.

علاوه بر توصیه‌های دینی و اخلاقی، در قوانین برای کسانی که اسرار دیگران را افشا نمایند مجازات تعیین شده است. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد... کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.» ضمانت اجرای ماده مذکور، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی است، ماده فوق مقرر می‌دارد: «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

مبنای تعزیر مذکور، نهی معصومان علیهم السلام از افشای اسرار دیگران است. امام علی علیه السلام فرمودند: «به کسی که به تو اعتماد کند، خیانت مکن، اگرچه به تو خیانت کرده باشد و سر او را فاش مکن». (مجلسی، بی تا: ۲۱۰/۷۲)

پیامبر گرامی اسلام فرمود: «اباذر، مجالس امانت هستند و افشاء سر برادرت

خیانت است». (مجلسی، بی تا: ۸۹/۷۴)

نهی در روایات فوق، دال بر حرمت است و هر کاری که شرعاً حرام باشد فاعل آن مستحق تعزیر است.

۲-۷. پرهیز از هتک حرمت متهم

بازجو و بازپرس باید از هرگونه توهین، تمسخر، استهزا، فحاشی و شکنجه نسبت به متهم پرهیزد، زیرا انسان دارای کرامت ذاتی است، باید کرامت او در هر وضعیتی مورد احترام قرار گیرد. چون انسان علاوه بر تکلیف رابطه اخلاقی با دیگران و پاسداشت کرامت آنان، مکلف است کرامت انسانی خود را هم مد نظر قرار دهد، بدگویی به دیگران نقض کرامت خود انسان و شخصی است که به او بدگویی شده است. از آنجا که متهم حق برخورداری از رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان را دارد؛ در مقررات بین المللی راجع به حقوق بشر نیز به آن پرداخته شده است از جمله می توان به ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ هـ اشاره کرد که از رفتار حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، افراد دستگیر شده منع نموده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۳۹ مقرر داشته است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» به نظر حقوقدانان منظور از هتک حرمت و حیثیت در این عبارت است: «از اعمال هرگونه خشونت و سلب آزادی از شخص بجز آنچه قانون معین کرده است، مثل کتک زدن، شکنجه و آزار کردن، استهزاء و توهین نمودن، دشنام دادن و یا تحت فشار گذاشتن مثل ندادن

خوراک، آب، پوشاک و درمان و خلاصه و هرگونه بی حرمتی که مغایر با شئون و اصول انسانیت می باشد.» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۶۲) اصل ۳۸ قانون اساسی مقرر داشته: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.» از نظر شرع مقدس اسلام هرگونه اذیت و آزار به افراد اعم از شکنجه و غیر آن، حرام است (منتظری، ۱۳۷۹، ۵۷۷/۳-۵۷۶) و اقرار مبتنی بر اکراه و اجبار اعتبار شرعی ندارد.

در بند ۶ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر شده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.» ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم میگردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و امر مجازات امر قتل را خواهد داشت.

از جمله ایدای افراد، توهین و تحقیر آنان است، که در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری از توهین در هنگام بازجویی منع شده است آنجا که مقرر شده: «در بازجویی ها ... استفاده از کلمات موهن، ... ممنوع است.»

در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

۲-۸. شهادت داشتن در پذیرش خطا

بازجو باید خود را مسئول عملکرد حرفه خویش دانسته و دقت کند تا در سیر مراحل تحقیق حقی ضایع نشود. اشتباه و خطا در فرآیند رسیدگی قضایی و از سوی کنشگران کیفری در مراحل مختلف رسیدگی امر اجتناب ناپذیری است. برخی از نویسندگان در خصوص سوء اجرای عدالت نگاشته اند: «به دشواری می‌توان یک نظام قضایی عاری از سوء اجرای عدالت را تصور کرد. در واقع، همه نظام‌های قضایی، چه مقابله‌ای و چه تحقیقی، ذاتاً خطا پذیرند و تا زمانی که ابزاری برای شناسایی قطعی مجرم کشف شود احتمالاً این چنین خواهد ماند. پذیرش مبنایی خطاپذیری ذاتی نظام‌های قضایی، پیش شرط شناسایی و رویارویی صحیح با موارد سوء اجرای عدالت است.» (گادجانسون، ۱۳۹۶: ۲۳۰) این امر در مقررات قانونی مورد توجه قانونگذار واقع شده است. در مقررات کیفری: در ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند...». افزون بر این، در بخش

دوم ماده مذکور، مقرر شده است: «لکن ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.» بر پایه این موضوع، اگر مأمور در نتیجه «اشتباه قابل قبول (اشتباه اجتناب ناپذیر) و از روی حسن نیت»، دستور آمر را انجام دهد، نه مسئولیت کیفری دارد و نه مسئولیت اداری؛ ولی از جهت دیه و مسئولیت مدنی تابع مقررات مربوطه است و باید به صورت موردی بررسی و شخص مسئول معلوم گردد. (منصور آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۱-۱۳۲)

در صورت بروز خطا و اشتباه از سوی بازجو، بازجو اخلاقاً باید از چنان شهامتی برخوردار باشد که نتیجه اشتباه خود را بپذیرد.

بازجو اگر در تنظیم پرونده قصور کرد و اشتباهی مرتکب شد، مستند به «قاعده تسبیب» ضامن است و اگر از رهگذر این امر متهم به ناحق محکوم شود مسئول خواهد بود. اگر بازجو در تنظیم پرونده کوتاهی نکرد، (تقصیر) اما در عین حال اشتباهی رخ داد، دارای مسئولیت مدنی بوده و باید جبران خسارت نماید.

۲-۹. صداقت داشتن بازجو

بازجو بر اساس قانون به تحقیق از متهم می پردازد، و در کمال صداقت با توجه به محتوای پرونده دستورهای مقام قضایی را اجرا می نماید. در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، عنوان ضابط دادگستری، بر وثاقت و مورد اعتماد بودن آن است. «بازجو نباید برای جلب اعتماد متهم او را به اقرار به بزه تشویق کند، وعده‌هایی به او بدهد تا اعتمادش را جلب نماید و از او اقرار بگیرد. چون روشن است چنین وعده‌هایی خارج از قدرت بازجو است و نمی تواند آن را عملی کند و باعث سلب

اعتماد متهم می‌شود، و در مراحل بعدی نیز با همین ذهنیت در مراجع قضایی حضور می‌یابد.» (رضایی بنجار، ۱۳۸۸: ۴ صفحه - از ۳۴ تا ۳۷)

بازجو می‌تواند وفق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری به متهم اعلام نماید اقرار یا همکاری موثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و در صورت همکاری و یا اقرار مؤثر مراتب را صورت جلسه نماید. در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن و اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی از جهات تخفیف می‌باشند.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده می‌توان گفت که بازجو به مناسبت شغل و حرفه بازجویی باید متصف به صفاتی باشد، وجود این صفات برای بازجو نه تنها یک کمال محسوب می‌شود بلکه ضرورت قانونی است. این قواعد در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و قوانین و مقررات داخلی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

از این رو لازم است برای دست‌یابی به ارزش‌های اخلاقی، حفظ کرامت و صیانت از سرمایه‌های اجتماعی، پیشبرد اخلاق حرفه‌ای، رعایت موازین قانونی و شرعی، حقوق شهروندی و حسن رفتار با متهم بردباری و سعه صدر، رعایت اصل بی‌طرفی در پرونده‌ها، مورد توجه بازجو قرار گیرد. احساسات بازجو در مواجهه با متهمان کنترل شود، تا بازجویی از مسیر صحیح آن منحرف نشود. ملاحظات تبعیض آمیز در امور حرفه‌ای دخالت داده نشود.

بازجو از اقدامات مغایر با اخلاق و قانون پرهیز نماید تا به اصحاب پرونده توهین و تحقیر نشود.

بازجو باید پیوسته در امر دانش افزایی بکوشد و پرهیز از خشونت و روش‌های خشونت آمیز را نصب العین خود قرار دهد.

نسبت به عملکرد خود، به جان، مال و ناموس طرفین پرونده، مورد توجه قرار داده و اصل مسئولیت پذیری را، اصلی اجتناب ناپذیر بداند، تا حق کسی ضایع نشود. فقدان و عدم رعایت صفات بازجو علاوه بر نقص و بی اعتباری تحقیقات، موجب تأثر وجدان و پاداش روز جزا، و در پاره‌ای از موارد به خاطر نقض قوانین و مقررات و انحراف از دادرسی عادلانه، نقض کرامت انسانی است و دارای ضمانت اجرای مادی و اجتماعی (مدنی و کیفری) است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ هـ ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر، سوم.
۴. اداره پلیس نظامی آمریکا، (۱۳۸۰)، بازجویی جرایم، ترجمه: حمیدرضا حبیبی، تهران، معاونت آموزش ناجا، اول.
۵. آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران، سمت، هفدهم.
۶. امیدعلی، حجت اله، تحلیل خشم در مثنوی مولوی با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف، متن پژوهی ادبی، ۴ دوره ۲۵، شماره ۸۸، تیر ۱۴۰۰، صفحه ۶۰-۸۵.
۷. انوری، حسن، (تابستان ۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن (هشت جلدی)، تهران، انتشارات سخن، دوم.
۸. بنت وین دبلیو، کارن ام. هس، (۱۳۸۵)، تحقیقات جنایی، ترجمه جاوید بهرام زاد، هما روزرخ، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، اول.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۴۰۰)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، هشتم.
۱۰. جمعی از مؤلفان، (بی تا)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، اول، هـ ق، ص ۲۲۲-۲۲۳.
۱۱. حلی، (محقق)، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ هـ ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
۱۳. رضایی بنجار، غلامحسین، بازجویی یا روش استنطاق، «نشریه دادرسی»، خرداد و تیر ۱۳۸۸، شماره ۷۴، (۳۴-۳۷).
۱۴. شبر، سید عبدالله، (۱۳۹۲)، اخلاق، مترجم: صادق و حسین حسن زاده، آل علی علیهم السلام، دوم.

۱۵. شجاعی، محمد، کمالات وجودی انسان، فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، ۱۳۷۸، شماره ۱۳، (۱۲۶-۱۳۹)
۱۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، سوم.
۱۷. طهماسبی، جواد، (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران، میزان، چهارم.
۱۸. عابدی، احمد، (۱۳۹۱)، حقوق متهم، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، دانشکده امام هادی علیه السلام، اول.
۱۹. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ هـ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البتت علیهم السلام، اول.
۲۰. عریضی، علی بن جعفر علیهما السلام، (۱۴۰۹ هـ ق)، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم، مؤسسه آل‌البتت علیهم السلام، اول.
۲۱. فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۲)، اخلاق حرفه‌ای، تهران، انتشارات مجنون، اول.
۲۲. فرهادی، یدالله، (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان، مؤسسه اطلاعات، اول.
۲۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ هـ ق)، الکافی (دار الحدیث)، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، اول.
۲۴. کارشناسان گروه علمی آگاهی، (۱۳۹۱)، مهارتهای انتظامی - افسران تجسس، تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا، اول.
۲۵. کفعمی، ابراهیم بن حارثی، (۱۴۰۵ هـ ق)، المصباح - جنة الأمان الواقبة و جنة الإیمان الباقية (مصباح کفعمی)، قم، دوم.
۲۶. گیسلی‌اچ گادجانسون، (۱۳۹۶)، روانشناسی بازجویی‌ها، اعترافات و شهادت، مترجم: ناصر بلیغ، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات، سوم.
۲۷. مارک آر. کبل، گراهام دیویس، (۱۴۰۰)، کاربرد روانشناسی در بازجویی و پیگردهای قضایی، مترجمان: فریبرز صدیقی‌ارفعی، محسن نیازی، تهران، میزان، اول.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الأنوار، ج ۱۶ و ج ۶۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.

۲۹. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۸۶)، فلسفه اخلاق در اسلام، مترجم: عبدالحسین صافی، قم، دارالکتاب الاسلامی، اول.
۳۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). المسائل السرویة، تحقیق: صائب عبدالحمید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول.
۳۱. منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، ص، ترجمه و تقریر، محمود صلواتی، تهران، نشر سرایی، سوم.
۳۲. منصورآبادی، عباس، (زمستان ۱۴۰۰)، مختصر حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، سوم.
۳۳. موسوی خمینی، سیدروح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم.
۳۴. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، اول.
۳۵. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ هـ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم.
۳۶. نجفی توانا، علی؛ سعادت مهر، سیدمحمد؛ بازجویی: شیوه‌ها و بایسته‌ها، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هشتم، پاییز ۱۳۹۴ - شماره ۳۲، (۶۳ - ۷۲)
۳۷. نراقی، احمدبن محمد مهدی، (۱۳۹۰)، معراج السعادة، قم، آیین دانش، دوم.
38. Ruth Chadwick, **Ethics and the Professions**, Journal of Value Inquiry 28 (3): 481-484 (1994).